

۲۹. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق.

۳۰. فیض کاشانی، ملامحسن ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود، مفاتیح الشرائع.

۳۱. قانون احوال شخصیه سال ۱۹۷۶ اردن.

۳۲. قانون مدنی ایران.

۳۳. قانون مدنی فرانسه.

۳۴. قانون نحوه اجرای محکومینهای مالی مصوب سال ۱۳۷۷.

۳۵. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی «خانواده»، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۱ ش.

۳۶. کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، جامع المقاصد فی شرح التواعد، چاپ دوم، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ ق.

۳۷. کشی، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز، رجال الکشی، مشهد، مؤسسه نشر در دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ ق.

۳۸. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، الرساله، ۱۴۰۹ ق.

۳۹. مجله تحقیقات حقوقی (ویژه یادواره مرحوم دکتر شهیدی)، دانشگاه شهید بهشتی، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ ش.

۴۰. موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.

۴۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ش.

42. Civ. 1er4 juin 1991.

43. < http://www.sistani.org > .

ارزش مرزبانی:

جغرافیا و امنیت در اسلام و جمهوری اسلامی ایران*

□ دکتر حسین آقابابایی^۱

□ استادیار دانشگاه گیلان

چکیده

با وجود بحثهای مربوط به جهانی شدن، که به طور طبیعی باید از اهمیت سرزمین و مرزهای جغرافیایی در مناسبات دهکده جهانی می کاست، جهانی شدن برخی مسایل از جمله تروریسم، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و سایر جرایم سازمان یافته، توجه به سرزمین و قلمرو سرزمینی را بر خلاف انتظار افزایش داده است. در دیدگاههای اسلامی با وجود نگاه ایدئولوژیک به مرز و سرزمین، مرزبانی دارای اهمیت و ارزش زیادی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد خود به تمامیت ارضی و قلمرو سرزمینی اشاره نموده و ضمن احترام به حق حاکمیت کشورهای دیگر، حفاظت از تمامیت سرزمینی را در ردیف وظایف مهم رئیس جمهور و تغییر خطوط مرزی را ممنوع و در شرایط ضروری تابع تشریفات خاصی می داند. گفتمان امنیت ملی

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۲۲.

1. aghababaei@guilan.ac.ir

در دوران تثبیت جمهوری اسلامی، بر توجه به سرزمین و قلمرو و انجام اقدامات قانونی و اجرایی گسترده در مراقبت از مرزها بوده است. با وجود این که مراقبت فیزیکی از مرز و عدم ریشه‌یابی ناامنیهای جهانی و منطقه‌ای امنیت‌ساز نیست، مراقبتهای مرزی، همزمان با بررسی مشکلات مرزنشینان و تعامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با همسایگان و سایر عوامل تأثیر گذار، راهکار پیش روست.

واژگان کلیدی: مرزبانی، مرز، سرزمین، امنیت، جهانی شدن، امنیت ملی، ایران.

مقدمه

گسترش ارتباطات بین دولت - ملتها و دست‌یابی بشر به امکاناتی که با درنوردیدن مرزهای سرزمینی در اقصی نقاط عالم به ترویج و تبلیغ ایده‌های مورد نظر خویش می‌پردازد و به ویژه پس از مطرح شدن ایده‌هایی مانند دهکده جهانی، جهانی شدن، پایان تاریخ و... نظریات مربوط به سرزمین و قلمرو سرزمینی را به نحو بارزی تحت الشعاع خود قرار داده است (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۱۸-۲۱).

روند سریع این تحولات، به ویژه تسهیلات و امکاناتی که «توافق‌نامه شینگن»^۱ در اختیار کشورهای عضو اتحادیه اروپا قرار داد^۲ تا به آسانی و بدون هیچ‌گونه محدودیتی و صرفاً با ارائه کارت شناسایی در سرتاسر کشورهای عضو این اتحادیه مسافرت کنند، شیرینی کم‌رنگ شدن محدودیتها برای گذر از قلمرو سرزمینی را نه تنها در ذائقه شهروندان اروپایی نشان داد، بلکه برای جهانگردان و مسافران غیر اروپایی هم که می‌توانند با ویزای شینگن به اکثر کشورهای عضو این اتحادیه سفر کنند موضوع خوشایندی بود. بر این اساس می‌توان گفت روند جهانی شدن و گسترش ارتباط و تعامل بین دولت - ملتها در سالهای پایانی قرن بیستم این بشارت را

1. Schengen Agreement.

۲. اولین توافق در ۱۹۸۵ و بین ۵ کشور فرانسه، بلژیک، هلند، لوگزامبورک و هلند انجام شد، ایتالیا در ۱۹۹۰، پرتغال و اسپانیا در ۱۹۹۱، یونان در ۱۹۹۲ و اتریش در ۱۹۹۷ به آن ملحق شدند. توافق‌نامه اولیه یک توافق‌نامه اروپایی به حساب نمی‌آمد، اما این اتفاق در ۱۹۹۷ و در نشست اتحادیه اروپا در آمستردام هلند افتاد و توافق‌نامه شینگن از این پس یک توافق‌نامه اروپایی محسوب شد (Winterdyk, 2009: xviii).

می‌داد که در قرن بیست و یکم نیز روند جهانی شدن و به ویژه رفع محدودیت‌های مرزی و سرزمینی با شتاب بیشتری ادامه یابد. اما جهانی شدن برخی مسائلی که خوشایند بشریت نبود، مانند جهانی شدن خشونت و تروریسم، قاچاق مواد مخدر و سلاح و یا قاچاق انسان و به ویژه زنان و کودکان که برده‌داری نوین نام گرفته است (نوبهار، ۱۳۸۵: ۱)، تا حد زیادی این رؤیا را با پریشانی مواجه کرد. شاید بتوان اوج این پریشانی را حادثه هولناک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا دانست. این حادثه بر خلاف چند عملیات تروریستی قبلی در کنیا و عربستان که اتباع یا منافع آمریکا در خارج از ایالات متحده مورد حمله قرار می‌گرفت در سرزمین ایالات متحده و با استفاده از امکانات موجود در آن کشور انجام گرفت. شاید گزاف نباشد اگر ادعا کنیم حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در تحول گفتمان امنیت ملی و توجه به سرزمین و مرزهای سرزمینی نه تنها در ایالات متحده، بلکه در کلیه کشورهای جهان شد. بهترین دلیل بر اثبات این ادعا این است که به فاصله اندکی پس از وقوع این حادثه، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطع‌نامه شماره ۱۳۷۳^۱ خود اقدامات متنوعی را برای مقابله با تروریسم بین‌المللی مقرر نمود که از جمله آنها ترغیب دولتها به انجام اقدامات گسترده برای حفاظت از قلمرو سرزمینی و مرزها بود.^۲ در همین زمان در آمریکا اقدامات قانونی و اجرایی گسترده‌ای برای حراست از امنیت داخلی ایالات متحده انجام شد؛^۳ مرز کانادا و آمریکا که در صد سال گذشته رفت و آمدهای مرزی صرفاً با ارائه کارت شناسایی صادره از سوی دولت انجام می‌شد و مرز

1. Security Council Resolution, 1373.
2. Prevent the movement of terrorists or terrorist groups by effective border controls and controls on issuance of identity papers and travel documents, and through measures for preventing counterfeiting, forgery or fraudulent use of identity papers and travel documents (S/RES/1373 (2001)).
۳. از جمله این اقدامات می‌توان به تصویب قانون موسوم به قانون میهن‌پرستی آمریکا (USA Patriot act) و ایجاد ساختار اداری جدیدی با عنوان وزارت امنیت میهن (Department of Homeland Security) اشاره کرد. این وزارتخانه جدید با ادغام ۲۲ سازمان مستقل فدرال با حدود ۱۸۰۰۰۰ کارمند به هدف مبارزه با تروریسم و برای اینکه هماهنگی اطلاعاتی برای حفاظت از مرزها داشته باشند ایجاد شدند. (Heyman & Ackleson, 2009: 52).

مشترک دو کشور به عنوان بزرگترین مرز بی‌دفاع مشهور بود^۱ با صرف ۹ میلیارد دلار هزینه، سازمان و تشکیلات جدیدی با نام اختصاری CBSA^۲ برای حفاظت از مرزها ایجاد شد و مردم کانادا ناباورانه شاهد هستند که از این پس (از ابتدای ژانویه ۲۰۰۸) باید برای ورود به آمریکا ویزا تهیه کنند (Winterdyk: 2009: xxii). این اتفاق در منطقه اروپا نیز آثار خود را به جای گذاشت و کشورهای عضو این اتحادیه با حفظ منطقه‌گرایی در ترتیبات امنیت ملی خود، اقدامات متنوعی را در سطح اتحادیه و یا به صورت موردی برای حفظ امنیت مرزها و قلمرو سرزمینی کشورهای خود به کار بردند. به عنوان نمونه، در کشور آلمان، پلیس فدرال با اختیارات و وظایف گسترده‌ای بازسازی شد و امنیت کلیه مرزهای زمینی، دریایی، فرودگاههای داخل آلمان و کلیه نمایندگیهای هواپیمایی لوفتانزا^۳ در تمام دنیا را بر عهده گرفت (Kilchling & Maguer, 2009: 181).

کشور ایران در خاورمیانه و در منطقه بسیار حساسی واقع شده است؛ پس از حادثه ۱۱ سپتامبر آمریکا و متحدانش ادعا داشتند که تروریستها از این منطقه برخاسته‌اند و از سوی برخی کشورهای این منطقه حمایت مالی می‌شوند و امکان تکرار حوادث خشونت‌بارتری هم از طرف آنها وجود دارد. علاوه بر این، پس از تصرف و اشغال سرزمین دو همسایه شرقی و غربی ایران، (عراق و افغانستان) اینها مدعی بودند تروریستها برای جابجایی و تجهیز خود از قلمرو سرزمینی ایران استفاده و به صورت غیر مجاز تردد می‌کنند. بر همین اساس، کشورهای غربی مستقر در عراق و افغانستان و کمیته ضد تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد که طبق بند ۶ قطع‌نامه ۱۳۷۳ پیگیر اقدامات دولتهای عضو سازمان ملل برای مبارزه با تروریسم بود، به صورت مداوم از کشورهای منطقه و از جمله ایران درخواست مراقبت از مرزهای سرزمینی خود را داشت.

علاوه بر اینها، با توجه به بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در مرزهای ایران به ویژه

1. Longest undefended border.
2. Canada Border Services Agency.
3. Lufthansa.

مرزهای شرقی، دشمنی گروه طالبان که در افغانستان قدرت را به دست آورده بود با ایران، قاچاق گسترده مواد مخدر از مسیر ایران و گروگان‌گیریهای مرزی که در ارتباط با این موضوع اتفاق می‌افتاد، انگیزه و عزم ملی برای حفاظت و انسداد مرزها به ویژه مرز مشترک با افغانستان را تقویت می‌کرد. در جدیدترین تحولات، برخی گروههای افراطی سیاسی یا مذهبی در مرزهای شرقی ایران حوادث خونباری را رقم زدند که اقدامات گروهک ریگی در منطقه سیستان و بلوچستان از نمونه‌های بارز آن است. مجموع این مسائل و حوادث، ضرورت مراقبت و حراست از مرزها را بیش از پیش مطرح نموده است.

کنکاش در آموزه‌های دینی و اسلامی نیز حاکی از اهمیت حراست از مرز و عبادت بودن مرزبانی است؛ هرچند مفهوم و ارزش مورد حمایت در دیدگاه ایدئولوژیک، با مفهوم مرزبانی در حقوق بین‌الملل مدرن متفاوت است. در حقوق ایران با وجود تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حفظ تمامیت ارضی و مرزی، انعکاس دیدگاههای ایدئولوژیک در برخی اصول قانون اساسی، این ایهام را به وجود آورده که نویسندگان قانون اساسی ایران، به گفتمان آرمان‌گرایی و قلمرو دارالاسلام در تعریف امنیت ملی نظر داشته‌اند در حالی که اصول مختلف قانون اساسی و گفتمان غالب در امنیت ملی ایران در دوران پس از انقلاب، گفتمان واقع‌گرایی و تأکید بر قلمرو سرزمینی و مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی بوده است. با توجه به این مقدمه، پرسشها و فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر است:

سؤالا

۱. مرزبانی در دیدگاههای اسلامی و از منظر قانون اساسی ایران چه ارزش و منزلتی دارد؟
۲. با توجه به ایدئولوژیک بودن مفهوم مرز و سرزمین در اسلام، دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی و گفتمان امنیت ملی در ایران بر آرمان‌گرایی اسلامی مبتنی است یا با واقع‌گرایی در گفتمان امنیت ملی، بر حفظ تمامیت ارضی و قلمرو سرزمینی منطبق با قواعد حقوق بین‌الملل معتقد است؟

فرضیه‌ها

۱. مرزبانی و مراقبت از سرحدات در آموزه‌های اسلامی در ردیف عمل عبادی و از مرزبانان به نیکی یاد شده است.

۲. اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی، گفتار و عمل رهبری ایران و گفتمان غالب در دوران تثبیت جمهوری اسلامی، حاکی از پایبندی به قواعد حقوق بین‌الملل و اهتمام به حراست از قلمرو سرزمینی و تمامیت ارضی است.

۱. مفهوم‌شناسی مرز و واژه‌های مرتبط

مرز در لغتنامه‌های فارسی مترادف با سرحد، دربند، ثغر، حد و خط فاصل میان دو کشور آمده است (دهخدا، واژه‌ مرز). همچنین مرحوم دهخدا در بیان معنای «ثغر» به کلمه مرز، دربند، دربند میان کفر و اسلام، سرحد ملک کفار اشاره نموده است از جمله نقل نموده است که ثغر هر موضعی را گویند که نزدیک به خاک دشمن باشد و این کلمه از «ثغرة الحائط» آمده است؛ زیرا محتاج به محافظ است که دشمن از آنجا نیاید (دهخدا، واژه‌ ثغر). از مجموع نقلهای دهخدا در توضیح واژه ثغر می‌توان استفاده کرد که واژه ثغور که جمع ثغر است، بیشتر به مرزهای اسلام و کفر یا مرزهای مبتنی بر عقیده دینی اطلاق می‌شده است و در ادبیات دینی و روایات و متون دینی از این کلمه برای بیان اهمیت حفظ و حراست از مرزهای اسلام استفاده شده است (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۴/۲؛ حلی، ۱۴۰۸: ۳۲۲/۱؛ منتظری، ۱۳۸۰: ۸۷/۱).

در همین موضوع واژه دیگری هم در متون دینی وجود دارد و آن «واژه» رباط است. بنا بر نقل مرحوم دهخدا، رباط به تکیه یا مسجد مستحکمی گفته می‌شد که در آن کسانی اقامت می‌ورزند تا برای دفاع از اسلام خود را آماده سازند و از این معناست آیه «صابروارباطوا» (آل عمران/۲۰۰) و لذا در معنای «مرباطه» گفته شده است: به ثغر مقیم شدن، سرحدداری، اسبان را در رباط مرزی آماده و مهیا نگه داشتن و ملازم مرز و جهاد بودن (دهخدا، واژه رباط و مرباطه). در لغت نامه‌های عربی و قرآنی نیز در تبیین معنای لغوی «رباط» و «ثغر» همین مفاهیم قابل استفاده است. در مفردات راغب، در بیان مفهوم مرباطه آمده است که مرباطه در مرزهای مسلمانان به این

معناست که کسی در مرز مستقر شده و نگهبانی از مرز به او واگذار شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۹). در لسان العرب نیز در معنای «ثغر» آمده است که: ثغر موضعی است که حد فاصل بین بلاد مسلمین و کفار و موضع ترس از نفوذ دشمن در اطراف بلاد است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۳/۴).

به هر حال در عصر جدید، مفهوم مرز مانند بسیاری از واژه‌های دیگر دستخوش تحول مفهومی گردیده است. این تحول را لااقل در دو جنبه می‌توان به خوبی مشاهده کرد. یکی اینکه در عصر جدید عقیده و یا دین در تعیین مرز نقشی ایفا نمی‌کند و تأکید بر خطوط فرضی جغرافیایی است که قلمرو حاکمیت‌های سیاسی هر سرزمین را مشخص می‌کند و تحول دوم، در خصوص گسترش مفهوم مرز به قلمرو دریایی، هوایی و زمینی و زیرسطحی است. به طور طبیعی گسترش مفهوم مرز به قلمرو هوایی و دریایی و مفهوم دریای سرزمینی، متأثر از پیشرفتهای بشر و تهدیداتی است که از هوا و دریا و آبهای ساحلی ممکن است منافع یا امنیت کشورها را با خطر مواجه کند. بر این اساس در حقوق بین‌الملل، مرز خط فرضی است که قلمرو سرزمینی کشوری را مشخص می‌کند. این قلمرو، فضای زمینی، هوایی، دریایی و تحت الارضی هر کشور را شامل می‌شود (Martin, 2003: 53). جغرافی دانان سیاسی و برخی دیگر از کارشناسان رشته‌های مرتبط، در خصوص مرز و سرحد تعریفهای گوناگونی ارائه داده‌اند. این تعریفها بین مرز (Boundary) و سرحد (Frontier) قائل به تفاوت هستند.

از نظر «دیکشیت»^۱ مرزها خطوطی هستند که حد خارجی قلمرو تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می‌کنند (Dikshit, 1995: 55).

«درايسدل»^۲ مرز را پدیده‌ای فضایی که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در برابر انسان، انتقال کالا و... مانع ایجاد می‌کند دانسته است (درايسدل، ۱۳۷۴: ۱۰۱).

میرحیدر در تعریف خود مرزهای سیاسی را مورد اشاره قرار داده و آن را

1. Dikshit.
2. Derasdel.

مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحدهای دیگر می‌داند. از نظر وی، «خطوط مرزی خطوط اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند» (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

تعریفهای دیگری از مرز، بر «حدود و ثغور حاکمیت کشور و عامل ایجاد وحدت سیاسی» (رحمتی راد، ۱۳۷۴: ۱۳) و یا «عامل تشخیص و جدایی یک واحد مشکل سیاسی یا کشور از واحدهای مجاور و به عبارتی جداساز قلمرو فرمانروایی دو نظام سیاسی» تأکید کرده‌اند (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۱۹۰/۱).

بنابراین با جمع‌بندی تعاریف مذکور و از نقطه‌نظر تشخیص قلمرو سرزمین که از عوامل تشکیل‌دهنده دولت - ملت است، می‌توان گفت، مرز عامل تشخیص قلمرو سرزمینی هر کشور یا نظام سیاسی است که اعمال قانون و حاکمیت سیاسی در آن قلمرو صورت می‌گیرد.^۱

واژه «سرحد»^۲ اصطلاح دیگری است که اگرچه امروزه هم‌معنا و همراه با مرز استعمال می‌شود،^۳ اما از دیدگاه صاحب‌نظران، به مفهومی متفاوت با مرز اشاره دارد. بر خلاف مرزها که معمولاً خطی توصیف شده‌اند، سرحدات مفهومی منطقه‌ای دارند. یکی از نویسندگان با اشاره به این تفاوت گفته است که «سرحد در زمانهای قدیم به منطقه تماس میان دو نهاد دارای موجودیت، که از نظر اجتماعی و سیاسی یکپارچه بودند اطلاق می‌شد» (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۶۷). نویسنده دیگری خاطرنشان ساخته است که مرزها در گذشته چون به طور دقیق و روشن مشخص نبودند، به عنوان سرحد یا منطقه مرزی مشهور بودند ولی امروزه حدود کشورها به طور دقیق‌تر تعریف و نشانه‌گذاری شده‌اند و لذا مفهوم مرز، جایگزین سرحد شده

۱. به عنوان نمونه ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ایران می‌گوید: قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود.

2. Frontier.
 ۳. در برخی زبانها مرز و سرحد با دو واژه مجزا توصیف شده‌اند. برای نمونه در زبان انگلیسی Boundary و Frontier و در زبان فرانسه از واژه‌های Limite و Frontiere استفاده شده است در حالی که در زبان آلمانی واژه Grenze به صورت مشترک برای مفهوم مرز و سرحد به کار می‌رود همان‌گونه که دهخدا هم در لغت‌نامه خود میان مرز و سرحد تفاوتی نگذاشته است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۰).

است (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۱۹۰/۱). با توجه به نظرات مورد اشاره، می‌توان گفت از نظر زمانی سرحد مفهومی باستانی و قدیمی است و در دوران معاصر، مفهوم مرز جایگزین سرحد شده است و از لحاظ صفت نیز سرحدات منطقه‌ای و مرزها خطی هستند. از نظر تاریخی، ساسانیان حکومت حیره را به عنوان منطقه سرحدی میان خود و رومیان در بین‌النهرین تشکیل دادند و رومیان در اقدامی مشابه، حکومت غسان در شامات را به عنوان منطقه سرحدی میان خود و ایرانیان به وجود آوردند (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۳).

۲. مفهوم مرز و ارزش مرزبانی در اسلام

۲-۱. مفهوم مرز در اسلام

مفهوم سرزمین ملی و به تبع آن مفهوم مرز، از مفاهیم جدید و وابسته به مفهوم دولت - کشور است که به ویژه از زمان انعقاد معاهده وستفاليا اهمیت یافت. بر اساس این معاهده، حکومت ملی به رسمیت شناخته شد و حق حاکمیت حکومتها در محدوده سرزمینی‌شان رسمیت یافته و دخالت در امور کشورها به عنوان تخلف از حقوق بین‌الملل شناخته شد. بر این اساس، با توجه به مبانی و ساختار ایدئولوژی دینی، مفهوم حکومت، سرزمین و مرز در اسلام با آنچه امروزه در حقوق بین‌الملل مصطلح است دارای تفاوت اساسی است. در حکومت اسلامی صدر اول اسلام، محور حکومت، امام یا خلیفه است و جغرافیای حکومت «دارالاسلام» است که در مقابل «دارالکفر» قرار داشته و مبنای عقیدتی دارد. بنابراین اگر بحث از حراست و حفاظت از مرز به میان می‌آید، بیش از این که به جغرافیای خاصی نظر داشته باشد، به معنای حراست از دارالاسلام در مقابل دارالکفر است. به تعبیر دیگر، در دیدگاه اسلامی، مرز جداکننده افراد یا سرزمینها، نوع عقیده دینی آنهاست. افرادی که پیرو اسلام هستند در دارالاسلام و کسانی که اسلام را نپذیرفته‌اند در دارالکفر به سر می‌برند.

از منظر ایدئولوژی اسلامی، با توجه به جهانی بودن آیین اسلام و اینکه این آیین

در محدودهٔ زمانی، مکانی و نژادی قرار نمی‌گیرد،^۱ امت اسلامی، مجموعهٔ کسانی هستند که در همه جای دنیا، یکسان و یک‌دل به کعبهٔ واحد روی می‌آورند و از این طریق خدای واحد را ستایش می‌کنند. این مجموعهٔ پراکنده در جغرافیای عالم، جامعهٔ جهانی اسلام را پدید آورده است. به این ترتیب، مفهوم «امت اسلامی» با مفهوم «ملت» که یکی از ارکان اساسی دولت در جغرافیای سیاسی امروز می‌باشد، کاملاً متفاوت است. مرز جامعهٔ اسلامی، عقیده و ایمان است و اصولاً با مرزهای جغرافیایی مصطلح قابل مقایسه نیست (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱/۱۱۴).

برخی نویسندگان تلاش نموده‌اند وضعیت مورد اشاره را به عنوان آرمان دین اسلام مورد توجه قرار دهند و در عین حال رفتار عملی پیامبر اسلام و حاکمان مسلمان را به عنوان ضرورت و پذیرش واقعیت موجود توجیه کنند. به نظر ایشان، آرمان نهایی اسلام در مورد رابطه و مناسبات انسانی، امت واحد بشری است و نیز در مورد سرزمین، از میان رفتن مرزهای جغرافیایی و قید و بندهای مرزی و به وجود آمدن کشور واحد جهانی تحت حاکمیت قانون واحد الهی است تا هدف رسالت پیامبر اسلام که سرعت بخشیدن به روند حرکت تکاملی جامعهٔ بشری برای رسیدن به این مرحلهٔ ایده‌آل و کمال نهایی است، محقق شود.

اما در مواجهه با واقعیت، مرزهای جغرافیایی را با ملتها و حکومتها که خود را در حصار آن مرزها قرار داده‌اند، در آن سطح که بتواند رابطه برقرار کند و روی قدر مشترکها به توافقهایی نسبی برسد، به رسمیت می‌شناسد تا از این رهگذر بتواند ضمن انتقال رسالت جهانی خود، به قراردادهای و توافقهایی اصولی بیشتری دست یازد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۳/۱۴۷).

در همین زمینه، به برخی مسائل و حوادث تاریخی که به معنای پذیرش مرزهای فیزیکی دولت اسلامی و احترام به حاکمیت و سرزمین دیگران است اشاره گردیده

۱. یکی از نویسندگان در بیان ویژگیهای حقوق یهودی، علاوه بر دینی بودن بر عنصر ملیت نیز تأکید نموده است و معتقد است که از این جهت حقوق یهودی با حقوق اسلامی یا حقوق کلیسایی متفاوت است؛ چرا که این نظام ها ویژگی قومی ندارند و در میان اقوام و ملل گوناگون بسط و تحول یافته‌اند (سلیمانی، ۱۳۸۴: ۳۷).

است. در پیمان معروف به «صلح حدیبیه»، که بین پیامبر اسلام و حاکمان مکه منعقد گردید، قریش و مسلمانان متعهد می‌شوند به مدت ده سال جنگ و تجاوز را بر ضد یکدیگر ترک کنند، تا امنیت اجتماعی و صلح عمومی در سرزمین حجاز مستقر شود؛ اگر یکی از افراد قبیلهٔ قریش بدون اذن بزرگ‌تر خود از مکه فرار کند و اسلام بیاورد و به مسلمانان پیوندد؛ محمد ﷺ باید او را به قریش بازگرداند، ولی اگر فردی از مسلمانان به جانب قریش بگریزد، حکومت موظف نیست آن را به مسلمانان تحویل دهد. مسلمانان و قریش می‌توانند با هر قبیله‌ای که خواستند پیمان برقرار کنند. محمد ﷺ و یاران او بر اساس این پیمان به مدینه باز می‌گردند، ولی در سالهای آینده می‌توانند آزادانه آهنگ مکه کرده و خانهٔ خدا را زیارت کنند؛ به شرط آنکه سه روز بیشتر در مکه توقف نکنند و سلاحی جز سلاح مسافر، که همان شمشیر است، همراه نداشته باشند (واقعی، ۱۴۱۴: ۱/۶۰۳؛ طبری، بی‌تا: ۲/۲۸۱).

با توجه به مفاد این صلح‌نامه، می‌توان گفت گرچه رسالت و دعوت پیامبر، جهانی است و بهترین دلیل بر جهانی بودن آن، نامه‌ها و دعوتیهایی است که از سوی آن حضرت به اطراف جهان فرستاده شده است، ولی به خاطر استقرار صلح و امنیت در شبه جزیرهٔ عربستان و بسترسازی مناسب برای دعوت جهانی، پیمان صلح را برای تأمین مصالح بیشتر منعقد می‌سازد و خود را به رعایت آن ملزم می‌گرداند. در آن پیمان، بیشترین تأکید روی مرزهای فیزیکی است و دو طرف به رعایت آن ملزم شده‌اند. با اینکه پیامبر در مدینه حاکم مطلق است ولی مکه را خارج از قلمرو حکومت خود می‌داند و به خواسته‌های حاکمیت مکه ترتیب اثر می‌دهد (حبیبی: ۱۶۵).

مستند دیگری که به عنوان واقعیت مرزهای فیزیکی در آموزه‌های اسلامی ذکر شده است، نامه‌های پیامبر اسلام به سران ممالک و طوایف است که در آن نامه‌ها به صراحت مرزهای فیزیکی و تمامیت ارضی قلمرو حکومت آنان به رسمیت شناخته شده است و با حفظ مرزهای فیزیکی، آنان را دعوت به اسلام نموده است. در این نامه‌ها، پیامبر اسلام به سفرا و کارگزاران دولت نبوی سفارش می‌کند: وقتی به سرزمین پادشاهان رسیدید، شب هنگام وارد نشوید و تأمل کنید تا در روز وارد شوید... (شیث خطاب، ۱۹۸۹: ۱۶۷). چنین سفارشی از منظر برخی صاحب‌نظران اسلامی

نوعی احترام و به رسمیت شناختن قلمرو حاکمان غیر مسلمان محسوب گردیده است (سبحانی، ۱۳۷۵: ۶۸۰). از دیدگاه نگارنده، اذعان به موارد مذکور و موارد مشابه، با توجه به نوع دعوت پیامبر اسلام و رحمانی بودن دین اسلام، امر غیر منتظره‌ای نبوده و با تقسیم‌بندی دارالاسلام و دارالکفر هم منافاتی ندارد. زیرا مدعای ما در عقیدتی بودن مرزهای دارالاسلام، عدم تفکیک سرزمینی در قلمرو اسلامی است و نامه‌نگاریهای پیامبر با حاکمان خارج از قلمرو اسلامی و یا پیمان صلح با قبایل مکه که خارج از دارالاسلام بودند به ادعای مورد اشاره لطمه‌ای نمی‌زند.

با وجود این، این موضوع قابل انکار نیست که تحولات اندیشه و عمل سیاسی در قلمرو اسلامی به ویژه پس از تضعیف نهاد خلافت و سقوط امپراطوری عثمانی به سوی پذیرش واقعیت دولت - کشورهای مستقل بوده است. در اردوگاه اهل سنت، حذف برخی شروط خاص حاکم هم چون قرشی بودن، به گونه‌ای زمینه‌ساز پذیرش تعدد حکومت و دولتهای اسلامی و تعدد مرزهای سیاسی، ملی‌گرایی و قوم‌گرایی در جهان اسلام بوده است. در این زمینه برای پیوند عمل سیاسی با آرمان اسلامی، وحدت جهان اسلام را نه به وحدت دولتها، بلکه به وحدت امت تعریف کرده‌اند، از این‌رو، ضمن حفظ تعدد دولتهای ملی در جهان اسلام، وحدت فرهنگی را زمینه‌ای برای منطقه‌گرایی سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی قرار داده‌اند (فیرحی، ۱۳۸۲: ۵۴۱).

در دیدگاه‌های شیعیان، یکی از نویسندگان معاصر، اهمیت نظری خاصی برای شهر و سرزمین و به طور کلی مکان و جغرافیا در اندیشه سیاسی قائل شده است. وی با استوار کردن حقوق اساسی مردم بر قاعده مالکیت شخصی مشاع، تفکر سیاسی را معطوف به مکان و محیط جغرافیایی و شهر و سرزمین می‌سازد (حایری، ۱۹۹۵: ۱۰۸).

در مهمترین نظریه‌های ولایت فقیه در فقه شیعه، تعدد دولتهای اسلامی جایز دانسته شده و تشکیل دولتهای متعدد اسلامی بر مبنای تمایزات سرزمینی پذیرفته شده است (کدیور، ۱۳۷۶: ۱۵۷). همچنین ایجاد نوعی حکومت بر مبنای فقه شیعه در ایران و به رهبری امام خمینی نشان‌دهنده این امر است که ایشان به ایجاد یک دولت اسلامی با مرزهای مشخص اعتقاد داشته‌اند و این موضوع در اصول چندی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز انعکاس یافته است (اصول ۳، ۹، ۱۵۲، ۱۵۴).

۲-۲. ارزش مرزبانی در اسلام

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، در گفتمان دینی به مرزبانی «رباط» و به مرزبانان «مربطین» گفته می‌شود. در اسلام مرابطه یا مرزداری دارای اهمیت بسیاری است و مرزبانی در ردیف و یا برتر از عبادتهای اصلی اسلامی برشمرده شده است. بر اساس روایتی که سلمان فارسی از پیامبر اسلام نقل کرده‌اند: یک روز «رباط» (مرزبانی)، در راه خدا از نماز و روزه ماه رمضان برتر است و کسی که در «مرباطه» (مرزبانی) در راه خدا بمیرد روز قیامت پاداش مجاهد نصییش خواهد شد (حلی، ۱۴۰۸: ۱۱۰/۱).

در برخی منابع اسلامی، یکی از اقسام جهاد، جهاد برای دفاع از مرزهای اسلام است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۴۶۵). در کتاب کنز العمال تحت عنوان «باب الرباط» حدیثهای متعددی از روایان مختلف نقل شده که دلالت بر اهمیت مرزبانی و عمل مرزبانان دارد و عمل مرزبانان بر اعمال عبادی و نماز گزاردن در مکانهای شریفی همچون مسجد پیامبر و غیره برتر دانسته شده است (متقی هندی، ۱۹۸۹: ۳۳۴/۴).

در کنار ارزش عبادی مرزداری در اسلام، به هر حال مرزداری از موضوعاتی است که تدبیر و چگونگی آن در دست حاکم اسلامی است به گونه‌ای که یکی از وظایف غیر قابل تردید حاکم اسلامی حفظ مرزها و ثغور اسلام بوده است.

ماوردی در الاحکام السلطانیة وظایف عمومی جامعه را که بر حاکم مسلمانان واجب است ده چیز می‌داند. ایشان در بند اول به حفظ شریعت و در بند دوم به اجرای حکم و قضاوت در دعاوی و مرافعات و در بند سوم به «حفاظت از کشور اسلامی و دفاع از حریم و مرزهای آن» اشاره می‌نماید (به نقل از: منتظری، ۱۳۸۰: ۳۳).

مرزداری و اهمیت آن به عنوان امری ضروری و فارغ از دیدگاههای سیاسی یا اختلافات مذهبی تلقی شده است. به تعبیر امروزی حفاظت و حراست از مرزها، امری مرتبط با امنیت جامعه اسلامی تلقی و وظیفه‌ای همگانی قلمداد گردیده است. یکی از شواهد این امر می‌تواند سخنان امام سجاد در رابطه با مرزداران باشد. با توجه به اینکه مسلم است در دوران ایشان کسانی به عنوان حاکم اسلامی زمام امور جامعه را به عهده داشتند که از نظر مسلک سیاسی یا عقیده دینی مورد تأیید ایشان

نبودند، کلمات ایشان که در غالب دعا بیان شده است به گونه‌ای به اهمیت مرزداری و مرزبانی اشاره دارد.^۱ (ر.ک: صحیفه سجادیه، ۱۳۶۳: ۹)

۳. جغرافیا و امنیت در جمهوری اسلامی

۱-۳. آرمان‌گرایی اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، با وجود اینکه در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اهمیت مرزهای سرزمینی و جغرافیای ملی تأکید گردیده است، اشاره به موضوعاتی چون: حکومت اسلامی، جهان اسلام، امت اسلامی،^۲ مستضعفان جهان^۳ و... در برخی اصول، به گونه‌ای بازتولید آرمان‌گرایی اسلامی تلقی می‌گردید. بر طبق این اصول، جمهوری اسلامی ایران خود را مسئول و متعهد جهان اسلام و فراتر از آن مستضعفان جهان دانسته و سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد (اصل ۱۵۴).

۱. «ای پروردگار من! به روان مقدس محمد و آل محمد ﷺ رحمت فرست و مرزهای اسلام را از حمله دشمنان در پناه خود مصون و محفوظ بدار و مرزبانان ما را در ایفای وظایفی که به عهده دارند حمایت کن و عطایا و مواهب خود را درباره آنان تکمیل فرمای.

به روان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و بر شمار سربازان ما که از مرزهای ما پاس می‌دارند بیفزای و حربه آنان را بر ضد دشمن کارگر کن و سنگرشان را از آسیب شکست در امان گیر و جمعشان را به هنگام دفاع از پریشانی ایمن ساز و به تدبیر خویش صفوفشان را به هم پیوند و رشته وحدت و وصلشان را از هم مگسل و هدفشان را همواره یکتا گردان و در سایه صبر و صولت پیروزشان فرمای و حیل‌های نظامیشان را همیشه با پیروزی مقرون دار.

پروردگارا! به روان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و جان سربازان ما را که در مرزها خدمت می‌کنند با فروغ علم بیفروز و آنچه نمی‌دانند به آنان بیاموز و آنچه را که نمی‌شناسند به آنان بشناسان و چشمشان را در بینایی توانا گردان تا آن حقایقی را که نمی‌توانند دید ببینند.

۲. اصل ۱۱ قانون اساسی: به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

۳. بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی: تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

گفتمان آرمانی نه تنها در قانون اساسی، بلکه در قانون کیفری نیز که خصیصه بارز آن سرزمینی و محدود به قلمرو ملی است تبلور یافته است و آنگاه که قانونگذار در مقام بیان مجازات اقدام کنندگان علیه امنیت کشور برمی‌آید، موضوع مورد حمایت خود را نه «نظام جمهوری اسلامی» که دارای ملت، دولت و قلمرو جغرافیایی مشخصی است، بلکه «حکومت اسلامی» قرار داده است (مواد ۱۸۸-۱۸۶ قانون مجازات اسلامی). این موضوع از چشم حقوقدانان کیفری مصون نمانده و متذکر این موضوع شده‌اند که استفاده از این الفاظ توسط فقیهانی که در نوشتن کتابهای فقهی لزوماً به مرزهای کشور خاصی توجه ندارند قابل توجیه ولی برای قانونگذار که برای کشور خاصی قانون می‌نویسد توجیه‌پذیر نمی‌باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۵۵). این رویکرد ضمن اینکه بیانگر آرمان‌گرایی در فقه شیعه است، حاکی از این است که قانونگذار اسلامی، بدون توجه به اصل سرزمینی بودن حقوق کیفری، برخی عبارتهای کتابهای فقهی را وارد متون قانون جزایی نموده است. به نظر می‌رسد این اشکال مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و در قانون نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و لایحه در دست بررسی قانون مجازات اسلامی، به جای حکومت اسلامی، «نظام جمهوری اسلامی» به کار رفته است.

علاوه بر این، گفتمان انقلابی حاکم در آغازین سالهای پیروزی انقلاب اسلامی که بی‌تردید برگرفته از فضای انقلابی و دیدگاه امت‌محور و دعوت عام و فراسرزمینی دین اسلام بوده است، در نزد برخی این شبهه را ایجاد کرده بود که ایران انقلابی در صدد کشورگشایی و عدم پابندی به هنجارهای بین‌المللی و از جمله عدم احترام به مرزهای سرزمینی و حاکمیت ملی کشورهای پیرامونی است. با توجه به ناشناخته بودن عمق دیدگاههای انقلابی، حتی برخی معتقدند هزینه‌های تحمیل شده به کشور، از جمله تجاوز نظامی صدام به ایران با رضایت کشورهای صاحب نفوذ بین‌المللی و کمک و مساعدت اکثر همسایگان و سکوت کشورهای دیگر، ناشی از بدبینی نسبت به نیت انقلابیون حاکم شده در ایران بوده است (زارعی و پوراحمد، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

برخی از بیانات بنیانگذار انقلاب اسلامی که معمولاً در سخنرانیهای عمومی و یا در

ملاقات با مقامات کشورها یا پیامهای ایشان مطرح شده است، در ترویج گفتمان آرمان‌گرایانه اسلامی مؤثر بوده است در حالی که همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، این بیانات در حد محتوای خود و با توجه با اینکه غالباً در مقام خطابه ایراد شده و در سطح گسترده‌تری پابندی ایران به قواعد بین‌المللی را بیان کرده است، نمی‌تواند متضمن عدم پابندی ایران به هنجارهای بین‌المللی باشد اما شاید بتوان گفت این گفتمان در سوء استفاده دشمنان و القای ترس در بین همسایگان بی‌تأثیر نبوده است. برخی از بیانات یا پیامهای بنیانگذار انقلاب اسلامی که در بردارنده دیدگاههای آرمان‌گرایانه دینی است به این شرح است:

ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامیمان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم، حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می‌گذارند از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما به دنبال ترویج نظام اسلام و رسول الله ﷺ در جهان استکباری هستیم و دیر یا زود ملت‌های آینده شاهد آن خواهند بود (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۲۳۸/۲۰).

من امیدوارم که ما بتوانیم پرچم سلام را، پرچم جمهوری اسلامی را، در همه جای دنیا بر پا کنیم و اسلام که حق همه است از او تبعیت کنند، از او تبعیت کنند (همان: ۲۳۹/۹).

جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع آمریکای جهان‌خوار... با آن مبارزه آشتی‌ناپذیر دارد. ما مبارزه سخت و بی‌امان خود را علیه آمریکا شروع کرده‌ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفزایند (همان: ۱۷۲/۱۵).

آن‌گونه که برخی نویسندگان اذعان داشته‌اند، در گفتمان آرمانی و انقلابی، اصلاح محیط منطقه‌ای (جهان اسلام) و بین‌المللی (جهان سوم و مستضعفان) بر اساس دو اصل دعوت و نفی سبیل^۱ - که هر دو از اصول سیاست خارجی اسلام محسوب می‌شوند- تفسیر می‌شود. اصل دفاع از مستضعفان جهان و دعوت آنها به پذیرش دین اسلام و سیاست نه شرقی نه غربی نیز همسو با پیروی از این دو اصل

۱. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء / ۱۴۱).

معنا می‌یابد. همچنین با توجه به ناهمگونیهای قومی و مذهبی کشور، به نظر می‌رسد محور وحدت و هویت در جامعه ایران، ایمان به اسلام و وحدت ملی نیز بر مبنای وحدت مکتبی و دینی فرض می‌شود (زارعی و پوراحمد، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

به اعتقاد نگارنده این برداشت قابل انکار نیست که به دلایل خاص و قابل درکی، در سالهای آغازین پیروزی انقلاب، بیش از اینکه بر عنصر ملیت و سرزمین در مؤلفه‌های امنیت‌ساز ملی تأکید شود، بر عنصر عقیده و ایمان اسلامی تأکید شد. ولی اگر منصفانه بنگریم، در تهاجم نظامی دشمن، صرف نظر از زمینه‌ها و یا عوامل تشدیدکننده آن، عنصر دین و اعتقاد دینی، در بسیج توده‌های مردمی برای دفاع از کشور و تحمل رنجها و مرارت‌های ناشی از جنگ تأثیر بسزایی داشت. البته نگارنده معتقد است در خیل عظیم نیروهای دفاع‌کننده از مرزهای کشور، نباید نقش و سهم افرادی که با عرق ملی و دفاع از آب و خاک در این دوران جان‌فشانی کردند نادیده گرفت.

در عین حال باید به این موضوع نیز اذعان کرد که دیدگاه‌های «امت‌محور» و نوع نگاه به امنیت ملی و مرزهای سرزمینی، آثار وضعی خویش را بر جای گذاشت که یکی از آثار ناخواسته نظام ارزشی مورد اشاره، کم‌توجهی به موقعیت جغرافیای سیاسی و از جمله مرزهای سرزمینی به جهت جلوگیری از رفت و آمدهای غیر قانونی و مهاجرت‌های بی‌رویه از کشورهای همسایه و مسلمان بود. موضوعی که آسیب‌های امنیتی و مشکلات اجتماعی آن، بعدها مسئولان کشور را به بازنگری در این سیاست و ایجاد محدودیتهای مرزی و حتی انسداد برخی مرزها متقاعد نمود. این موضوع قابل درک است که بحرانهای پیرامونی، از جمله جنگ طولانی در افغانستان و یا در دوره‌های بعد، جنگ در عراق و کویت، برخی مهاجرت‌ها از کشورهای همسایه را سبب شده و پذیرش پناهندگان که غالباً زنان و کودکان و افراد بی‌دفاع بودند، امری انسانی تلقی می‌گردید؛ ولی نوع برخورد با این موضوع و رهاسازی پناهجویان بیگانه در عمق سرزمین ایران، مشکلات و ناهنجاریهای گسترده‌ای را موجب شد که جرایم خشونت‌بار، قاچاق مواد مخدر و سلاح، ازدواج اتباع بیگانه با زنان ایرانی بدون اجازه وزارت کشور و در نتیجه عدم ثبت این ازدواج‌ها، مشکلات متعددی را برای شهروندان ایرانی موجب شد که آثار آن به زودی قابل رفع نیست.

۲-۳. واقع‌گرایی امنیت ملی

برخی نویسندگان در سنجش گفتمان امنیت ملی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، معتقدند که پایان جنگ، پایان گفتمان آرمان‌گرایانه و انقلابی، و آغاز گفتمان واقع‌گرایی در امنیت ملی ایران است. بر این اساس بیان می‌کنند که جنگ تحمیلی عراق و پیامدهای آن، از دامنه آرمانهای نظام اسلامی در بیرون از قلمرو ملی کاست و با واقع‌گرایی در دیدگاههای سیاسی، مرکز ثقل سیاستها را به درون جغرافیای ملی سوق داد و به تدریج گفتمان نوینی را در عرصه سیاستهای امنیتی (گفتمان ملی) به ارمغان آورد. از منظر ایشان، تلاش برای رهاسازی سرزمینهای اشغال‌شده در جنگ و وادار ساختن دشمن به بازگشت به مرزهای بین‌المللی، به صورت ضمنی هویت ملی ایرانی که حاضر به واگذاری یک وجب از خاک خود به دشمن نیست را به تصویر کشید. پس از خاتمه جنگ نیز توجه به روشهای مهار آسیبهای جنگی و توانایی نقش‌آفرینی در عرصه بین‌الملل و حفظ منافع کشور، در رأس امور امنیت ملی قرار گرفت (همان).

نگارنده، معتقد است واقع‌بینی در سیاست خارجی ایران و ترتیب گفتمان امنیت ملی جدید را نمی‌توان تغییری در فکر و عقیده رهبران انقلاب اسلامی دانست. اما می‌توان اذعان کرد که تجربه جنگ درسهایی بسیاری را به دنبال داشت و یکی از این درسهای، ضرورت ایجاد اعتماد منطقه‌ای و تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی بود. واقع‌گرایی در گفتمان امنیت ملی، توسط همان کسانی مطرح و پیگیری شد که از افراد تأثیرگذار در دوران انقلاب اسلامی بودند و در فرماندهی و خاتمه جنگ هم نقش غیر قابل انکاری داشتند. به عنوان نمونه هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور پس از جنگ، کسی نبود که در جریان اوایل انقلاب نقش نداشته باشد ولی بی‌تردید با توجه به تجربه حکومت‌داری و هزینه‌هایی که در این زمینه داده شد، توجه به بازسازی کشور و جلب اعتماد بین‌المللی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را سرلوحه برنامه‌های دولت خود قرار داد. به صورت قاطع می‌توان ادعا کرد این واقع‌بینی در امنیت ملی و توجه به هنجارهای بین‌المللی نه تنها با آموزه‌های شریعت ناسازگار نبود، بلکه شالوده‌های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان میثاق ملی استوار گردیده و اتفاقاً رئیس‌جمهور قانوناً مسئول حفظ

و حراست این بنیانهای اساسی و از جمله آنها تمامیت ارضی کشور است. واقع‌گرایی در امنیت ملی و احترام به حق حاکمیت کشورها و لزوم مراقبت از قلمرو جغرافیای سرزمینی در اصول مختلف قانون اساسی پیش‌بینی شده است:

در بند ۱۱ اصل سوم و در اصل ۹ قانون اساسی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور از وظایف دولت و آحاد ملت ذکر شده است.

در اصل ۷۸ قانون اساسی، هرگونه تغییر در خطوط مرزی کشور ممنوع اعلام گردیده و تغییرات جزئی صرفاً در صورتی که به مصلحت کشور باشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند، آن هم با تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس مجاز شمرده شده است.

در اصل ۱۲۱ حراست از مرزها و حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، یکی از فزاینده‌های سوگند رئیس‌جمهور در برابر نمایندگان مردم در مجلس است. در اصل ۱۴۳ قانون اساسی، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی، از وظایف ارتش جمهوری اسلامی ذکر شده است.

در اصل ۱۵۲، بر حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور پافشاری شده و بالاخره در اصل ۱۷۶ که در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ اضافه گردیده، حفظ تمامیت ارضی کشور از اهداف ایجاد شورای عالی امنیت ملی ذکر شده است.

اصل ۱۵۴ قانون اساسی با وجود اینکه «سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد»، در عین حال تصریح می‌کند که «بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». یا در اصل ۱۵۰ که به تأسیس نهاد سپاه اشاره می‌کند، بر ایفای نقش در نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن تأکید نموده و یا در اصل ۱۵۱ که به فراهم‌سازی امکانات آموزش نظامی برای همه افراد کشور اشاره شده، هدف از این کار را توان دفاع از کشور و نظام جمهوری اسلامی ذکر نموده است. علاوه بر این در بیانات و پیامهای بنیانگذار جمهوری اسلامی، به ویژه در آغازین سالهای پیروزی انقلاب، توجه و تأکید بسیار زیادی بر پایداری ایران به هنجارهای

بین‌المللی و احترام به حق حاکمیت کشورها مشاهده می‌گردد. در این خصوص بیان مفهوم صدور انقلاب که از طرف مخالفان به منظور ایجاد بدبینی و تنش در روابط با همسایگان به کشورگشایی و عدم پابندی به حاکمیت ملی دولتهای دیگر تفسیر می‌گردید، امام به صورت مکرر چنین تصریح می‌کنند:

ما با کسی جنگی نداریم، امروز انقلاب ما صادر شد است. در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته‌اند... ما چیزی جز پیاده شدن احکام اسلام در جهان نمی‌خواهیم (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۱۵/۳۲۲).

صدور با سرنیزه، صدور نیست؛ صدور با زور، صدور نیست؛ صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی در آنجا رشد کند (همان: ۱۳/۴۹۰).

ما با هیچ کشوری، چه اسلامی و چه غیر اسلامی سر جنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم و تا کنون نیز به دفاع که برای هر کس فریضه‌ای است الهی و حقی است انسانی برخاسته‌ایم و هرگز قصد تجاوز به کشورهای دیگر را نداریم (همان: ۱۶/۱۵۹).

در همین رابطه، نامه امام به گورباچف به عنوان آخرین رهبر شوروی قبل از فروپاشی، بسیار مهم و حاکی از دیدگاه ایشان در خصوص حق حاکمیت کشورها و به رسمیت شناختن مرزهای سرزمینی است. در این پیام بعد از ذکر مباحث مهم معرفتی و فلسفی که بر اساس عنصر دعوت به معنویت و فضیلت مطرح گردیده، آمده است: «در هر صورت کشور ما، همچون گذشته به حسن هم‌جواری و روابط متقابل معتقد است و آن را محترم می‌شمارد» (همان: ۲۱/۲۲۶).

جالب اینکه در پاسخ گورباچف هم به جمله پایانی پیام امام به شکل روشنی اشاره شده و تصریح شده است که «حرفهای شما راجع به حسن نیت رهبری ایران جهت داشتن روابط حسنه و حسن هم‌جواری با اتحاد شوروی، با واکنش خوب از طرف رهبران شوروی مواجه شده است. ما دارای یک مرز مشترک هستیم...» (همان: ۲۲۹).

در مجموع می‌توان گفت: مرز به معنای اصطلاحی و متعارف در حقوق بین‌الملل، در گفتمان دوران تثبیت انقلاب اسلامی مورد عنایت قرار گرفته و با رعایت اصل حسن هم‌جواری و تعامل مثبت با دولتهای مستقل پیرامونی، تلاش برای حراست از مرزهای

ملی و استفاده از امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای انسداد مرزها و مرزبانی حرفه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. با وجود اینکه بحرانهای منطقه‌ای متعددی در این دوره در محیط پیرامونی مرزهای جمهوری اسلامی وجود داشته است که حمله آمریکا و متحدان غربی آنها به افغانستان و عراق از مهمترین آنهاست، اراده جمهوری اسلامی ایران بر حراست از مرزهای سرزمینی و تلاش برای تنش‌زدایی در روابط با همسایگان و تعامل منطقی با نیروهای خارجی حاضر در منطقه و پرهیز از هرگونه بهانه‌تراشی برای مداخله در کشور و تجاوز به قلمرو سرزمینی ایران بوده است. علاوه بر این، بر اساس گزارشهای سالانه ایران به کمیته ضد تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد که در اجرای تصمیم شماره ۱۳۷۳ این شورا در سال ۲۰۰۱ ایجاد شده،^۱ جمهوری اسلامی ایران تلاش نموده است تا همکاری و همراهی خود با اقدامات بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم و جلوگیری از حمایت مالی از تروریسم را ابراز دارد.^۲

علاوه بر این، دستگیری افرادی از گروه تروریستی القاعده که از مسیر مرزهای ایران قصد عزیمت به عراق را داشتند و تحویل آنها به کشورهای متبوع خود (یونسی: ۱۳۸۴)، اقدامات گسترده در کنترل و انسداد مرزها برای محدود کردن عبور و مرور غیر مجاز به ویژه در شرق کشور و امضای قراردادهای همکاری امنیتی و مرزی دو یا چندجانبه با کشورهای همسایه (Aghababaei & Rezaei, 2009: 333-341) از اقدامات گسترده دیگری است که می‌تواند حاکی از واقع‌نگری در گفتمان امنیت ملی و توجه به مرزهای سرزمینی و نقش تأثیرگذار آن در حفظ استقلال و حفظ تمامیت ارضی کشور باشد.

نتیجه

با توجه به سؤالات و فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش، نتایج حاصل از بررسیها در خصوص سؤال نخست، حاکی از این است که در آموزه‌های دینی، حراست از مرزها و مراقبت از سرحدات برای جلوگیری از تردد افرادی که به هر دلیل می‌توانند به منافع مسلمانان آسیب برسانند امری بسیار مهم و باارزش است تا حدی که در روایات نقل

1. www. UN, Resolution 1373, S/RES/1373 (2001).
2. www. UN, S/2007/142 , S/2005/224.

شده، مرزبانی در ردیف عبادت‌های مهم اسلامی همچون نماز آورده شده است. اهمیت این امر به ویژه وقتی هویدا می‌گردد که برخی امامان شیعه، با وجود اینکه چه بسا حاکمان سیاسی عصر خود را به رسمیت نمی‌شناختند اما مرزبانان را به عنوان حافظان سرحدات اسلامی مورد عنایت و تفقد و دعای خویش قرار می‌دادند.

در خصوص سؤال دوم، مطالعه در قانون اساسی جمهوری اسلامی و تحلیل گفتمان غالب در مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای هم‌جوار و پیرامون، حاکی از به رسمیت شناختن مرز به مفهوم حقوق بین‌الملل امروزی است. اشارات برخی اصول قانون اساسی به رسالت و مسئولیت‌پذیری در قبال مسلمانان، مستضعفان و جهان اسلام، با تأکید قانون اساسی و رویه عملی رهبران ایران به معنای عدم پایبندی به حق حاکمیت ملی و یا بی‌احترامی به تمامیت ارضی دیگران نیست. در عین حال باید اذعان کرد عدم شناخت یا سوء ظن نسبت به آرمانهای انقلابی و تلقی نادرست نسبت به رسالت‌های انقلاب که در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است، مخاطرات متعددی برای ایران داشته است که تهاجم به قلمرو سرزمینی ایران و تحمیل جنگ طولانی از جمله آنهاست. به هر حال پس از پایان جنگ و با شفافیت گفتمان امنیت ملی در ایران، توجه به سرزمین و تلاش برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در سرلوحه فعالیت‌های دولت ایران قرار گرفت. حوادث سال‌های آغازین قرن بیست و یکم و به ویژه جهانی شدن تروریسم، توسعه تجارت غیر قانونی مواد مخدر، تجارت سلاح و قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان، توجه جهانی به حراست از مرزها و اقدامات پیشگیرانه در مبادی ورودی زمینی، دریایی و هوایی را سبب شده است.

سخن آخر اینکه دیوارها، سیم خاردارها و مرزبانهای مسلح، امنیت ایجاد نمی‌کنند. امنیت پایدار در سطح جهانی نیاز به فهم و ریشه‌یابی منشأ ناامنیها و مبارزه صادقانه و گزینشی با آنها دارد و حل بحرانهای منطقه‌ای نیز به اراده جمعی همه کشورهای و سرمایه‌گذاری جمعی برای حل بحران نیازمند است. تا رسیدن به این آرمان، چاره‌ای جز حراست از مرزها برای جلوگیری از سرریز شدن بحران از کشورهای هم‌جوار و جلوگیری از تردهای غیر مجاز مرزی و استفاده از سرزمین ایران برای اهداف و مقاصد مجرمانه که بهانه‌ای برای تهدید تمامیت ارضی کشور است وجود ندارد.

کتاب‌شناسی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، صادر، ۱۴۱۴ ق.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، *مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی*، قم، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمی خارج از کشور، ۱۳۷۹ ش.
۳. حایری یزدی، مهدی، *حکمت و حکومت*، شاد، ۱۹۹۵ م.
۴. حبیبی، ضامن علی، «مرزهای دولت نبوی»، *مجله حکومت اسلامی*، شماره ۴۳، قابل دسترس در: www.majlesekhobregan.ir.
۵. حلی، محقق، *شرائع الاسلام*، چاپ سوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۶. درایسدل و جرالد اچ. بلیک، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴ ش.
۷. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ اول از دوره جدید، تهران، چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *بیروت، دار العلم*، ۱۴۱۲ ق.
۹. رحمتی راد، محمدحسین، *مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه*، تهران، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. زارعی، بهادر و احمد پوراحمد، «سنجش دو گفتمان انقلابی و ملی در قلمرو جغرافیای امنیتی جمهوری اسلامی ایران (از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون)»، *پژوهشهای جغرافیایی*، شماره ۵۵، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. زرقاتی، سیدهادی، *مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی*، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. سلیمانی، حسین، *عدالت کیفری در آیین بیهود*، چاپ دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. شیخ خطاب، محمود، *السفارت النبوی*، مجمع ملی عراق، ۱۹۸۹ م.
۱۵. *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰ ش.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، بیروت، اعلمی، بی‌تا.
۱۷. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ ق.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. فاروقی، حارث سلیمان، *المعجم القانوني*، چاپ سوم، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۹۱ م.
۲۱. فیرحی، داوود، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. کدیور، محسن، *نظریات دولت در فقه شیعه*، تهران، نی، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. متقی هندی، کنز العمال، تصحیح و فهرس صفوة السقا، بیروت، الرساله، ۱۹۸۹ م.
۲۴. مجتهدزاده، پیروز، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه محمدرضا ملک‌محمدی نوری، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳ ش.
۲۵. منتظری، حسینعلی، *نظام الحکم فی الاسلام*، قم، سرایی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. میرحیدر، دره، «ژئوپلیتیک ارائه تعریفی جدید»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره پیاپی ۵۱، ۱۳۷۷ ش.